گزارش

مذاکرات تهران-واشنگتن ادامه خواهد یافت

دوگانه توافق یا تقابل روی میز

وحیده کریمی: قرار است اروپا بار دیگر به نقطه تلاقی دیپلماسی و قدرت سخت بدل شود؛ جایی که قرار شـده دور تازه مذاکرات غیرمستقیم تهران و واشنگتن برگزار شـود. این گفت‌وگوها در حالی پی گرفته می‌شود که فضای پیرامونی آن بیش از هر زمان دیگر با تهدیدهای نظامی، آرایش تازه نیروهای آمریکایی در منطقه و ادبیات تند کاخ سـفید آمیخته است. در چنین شرایطی، پرسش اصلی نه صرفا امکان دستیابی به توافق، بلکه نسـبت میان «دیپلماسـی» و «بازدارندگی» در محاسبات دو طرف است؛ نسبتی که تعیین خواهد کرد اروپا به سکوی مهار بحران بدل می‌شود یا به ایستگاهی در مسیر تصاعد آن. خبرگزاری رویترز اعلام کرده دور بعدی مذاکرات در ژنو برگزار می‌شود؛ شهری که پیش‌تر نیز در مقاطع حساس پرونده هسته‌ای ایران نقش‌آفرین بوده.

هرچند راشـاتودی در گزارشی مدعی شـده که مذاکرات ایران و آمریکا سه‌شنبه در وین برگزار خواهد شد . اینکه ادعای کدام رسانه مقرون به واقعیت است هنوز مشخص نیست اما می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت این‌بار مسقط میزبان مذاکرات نخواهد بود و دور جدید در اروپا برگزار خواهد شـد. در این میان، میانجیگری عمان همچنان ستون اصلی کانال ارتباطی دو طرف است. بنا بر گزارش باراک راوید، خبرنگار آکسیوس، استیو ویتکاف در تماس با وزیر خارجه عمان پیام‌هایی را برای انتقال به تهران ارائه کرده و براسـاس همین تماس، سـندی تنظیم و به علی لاریجانی در سفر اخیرش به مسقط تحویل داده شـده است. این تحرکات نشان می‌دهد علی‌رغم ادبیات متشنج علنی، کانال‌های پشت پرده فعال هسـتند و گفت‌وگوها وارد مرحله‌ای شـده که تبادل متن و پیشنهاد مکتوب در آن معنا پیدا می‌کند. بااین‌حال، محیط سیاسی پیرامون مذاکرات بیش از آنکه آرام و مساعد باشد، ملتهب و متناقض است. دونالد ترامپ از یک سو در گفت‌وگو با خبرنگاران تأکید می‌کند مذاکرات برای توافق «هسـته‌ای» و عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است و ایران تمایل خود را به توافق نشان داده و از سوی دیگر، هم‌زمان با اعزام ناوهای هواپیمابر و تقویت آرایش دریایی آمریکا در غرب آسـیا، از «پیامدهای بسـیار سنگین» شکست دیپلماسـی سـخن می‌گوید و حتی به‌تازگی گزینه «تغییر رژیم» را نیز بر زبان آورده است. این ادبیات، دامنه تنش را از پرونده هسته‌ای فراتر برده و به سطحی وجودی می‌کشاند که طبیعتا حساسیت تهران را افزایش می‌دهد.

اعلام آمادگی ترامپ برای دیدار با رهبری

در همیـن چارچوب، مارکو روبیو در گفت‌وگو با بلومبرگ تصریح کرده تمایل ترامپ به دیدار با رهبر انقلاب از این باور ناشـی می‌شود که حل مشکلات از طریق گفت‌وگوی مسـتقیم ممکن اسـت و چنین دیداری امتیازدادن تلقی نمی‌شـود. اما طرح این ایده در شـرایطی که اساسـا در تهران حتی بررسی رسـمی آن مطرح نیست، بیش از آنکه نشانه آمادگی عملی برای جهش دیپلماتیک باشد، کارکردی رسانه‌ای و تاکتیکی دارد؛ تلاشی برای نمایش گشودگی در کنار حفظ فشار است و نتیجه ملموسی در بر نخواهد داشـت. این دوگانه «تهدید-توافق» را باید در بسـتر راهبرد کلان واشنگتن تحلیل کرد؛ بهره‌گیری هم‌زمان از اهرم فشـار نظامی و مسـیر مذاکره برای دسـتیابی به توافقی با دامنه گسـترده‌تر از گذشـته. دولت آمریکا در عین تأکید بر اولویت دیپلماسی نسبت به گزینه نظامی، تصریح کرده خواهان توافقی اسـت که علاوه بر برنامه هسـته‌ای، ابعاد موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران را نیز در بر گیرد. همین نکته یکی از شکاف‌های اصلی دسـتور کار اسـت؛ زیرا تهران به‌صراحت اعلام کرده برنامه دفاعی و موشـکی خـود را غیرقابل مذاکره می‌داند و تمرکز گفت‌وگوها باید صرفا بر موضوع هسـته‌ای و لغو تحریم‌ها باشـد. در تهران، مواضع رسمی بر آمادگی مشروط برای مذاکره و توافق اسـتوار اسـت. سـیدعباس عراقچی تأکید کرده ایران آماده مذاکره و توافق هسته‌ای، مشروط بر آنکه روند گفت‌وگو عادلانه، منصفانه و از موضع برابر باشد، است. او تصریح کرده سلاح هسـته‌ای در محاسبات امنیتی ایران جایگاهی ندارد و تهران همواره آماده اعتمادسازی درباره ماهیت صلح‌آمیز برنامه خود بوده است. در عین حال، هشدار داده ایران همان‌گونه که برای مذاکره آماده است، برای جنگ نیز آمادگی دارد و هرگونه تجاوز با پاسخ قاطع مواجه خواهد شد.

دیپلماسی در سایه بازدارندگی

ایـن موضع‌گیری، بازتاب راهبردی اسـت که می‌توان آن را «دیپلماسـی در سـایه بازدارندگی» نامید؛ راهبردی که می‌کوشـد از یک سو مسـیر گفت‌وگو را باز نگه دارد و از سـوی دیگر هزینه‌هـای هرگونه اقدام نظامی را برای طرف مقابل برجسـته کند. در مقابل، آرایش تـازه نیروهای آمریکایـی در منطقه و گزارش‌هایی درباره آماده‌سـازی پنتاگون برای سـناریوی حمله چندهفته‌ای، نشـان می‌دهد واشنگتن نیز در پی تقویت اعتبار تهدید خود اسـت. اعزام ناو هواپیمابر دیگر، هـزاران نیروی اضافی و جنگنده‌ها و ناوشکن‌های موشـک‌انداز؛ صرفا یک نمایش نمادین نیست؛ بخشی از محاسبه فشار برای بهبود موقعیت چانه‌زنی اسـت. بااین‌حال، جنگ ۱۲روزه نشـان داد حتی حملات محـدود نیز می‌توانـد به چرخـه‌ای از کنش و واکنـش بینجامـد. عملیات «چکش نیمه‌شـب» که به عنوان حمله‌ای یک‌باره علیه تأسیسات هسته‌ای ایران توصیف شد، با پاسـخ محدود ایران علیه یک پایگاه آمریکایی در قطر مواجه شـد؛ هرچند آن مقطع به درگیری گسـترده نینجامید، اما پاسخ ایران به حملات اسرائیل با شدت ادامه داشت. بنابراین این نوع پاسخ‌ها نشان داد آستانه‌های تنش تا چه اندازه شکننده هستند. اکنون با توجه به تصریح مقامات ایرانی مبنی بر اینکه در صورت ورود مسـتقیم آمریکا دامنه پاسـخ می‌تواند فراتر از یک جنگ دوجانبه برود، خطر گسـترش بحران بیش از گذشته است. در این میان، تناقضی دیگر نیز شایان توجه است: ترامپ در حالی از «عدم پذیرش هیچ سطحی از غنی‌سازی» سخن می‌گوید که در چارچوب‌های پیشین، اصل غنی‌سازی محدود و تحت نظارت بین‌المللی پذیرفته شده بود. اگر این موضع به عنوان خط قرمز قطعی آمریکا تلقی شـود، عملا فضای توافق به‌شدت تنگ خواهد شد. از سوی دیگر، تأکید او بر اینکه «اگر توافق درسـت را بدهند، حمله نمی‌کنیم»، نشـان می‌دهد هنوز پنجره‌ای برای معامله باز است. این نوسان در پیام‌ها، بخشی از پویایی سیاست داخلی آمریکا نیز هسـت؛ جایی که نمایش قاطعیت در برابر ایران با نیاز به ارائه یک دستاورد دیپلماتیک هم‌زمان شده است.

آغاز مباحث بر سر جزئیات

نقش عمان در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد. مسقط در سال‌های گذشته نشان داده قادر است کانال‌های محرمانه و کم‌هزینه‌ای برای تبادل پیام فراهم کند و فضای گفت‌وگو را از فشـارهای رسـانه‌ای دور نگه دارد. اگر انتقال سند پیشنهادی از سوی وزیر خارجه عمان به مقام ایرانی صحت داشـته باشد، می‌توان گفت مذاکرات وارد مرحله‌ای شده که بحث بر سـر جزئیات و ترتیبات اجرائی آغاز شده است؛ مرحله‌ای که در آن، واژه‌ها و سـازوکارهای راسـتی‌آزمایی و تضمین اهمیتی تعیین‌کننده می‌یابند. چالش اصلی، طراحی توافقی است که هم برای تهران از حیث رفع مؤثر تحریم‌ها معنادار باشد و هم برای واشـنگتن از منظر اطمینان از محدودیت‌های پایدار قابل دفاع. بدون سازوکارهای روشن درباره زمان‌بندی تعهدات، نحوه راستی‌آزمایی و تضمین‌های حقوقی، هر توافقی در معرض فرسایش سریع قرار خواهد گرفت. تجربه‌های پیشین، بی‌اعتمادی انباشته‌ای ایجاد کرده که عبور از آن مستلزم ابتکارهای خلاقانه و واقع‌گرایانه است. در افق پیش‌رو سـه سـناریو قابل تصور اسـت: نخسـت، توافقی حداقلی و موقت که با هدف توقف گام‌های تنش‌زا و خرید زمان حاصل شـود. دوم، توافقی جامع‌تر در چارچوبی مشـابه گذشـته اما با اصلاحاتی در حوزه نظارت و زمان‌بندی. سوم، شکست دیپلماسی و ورود به چرخه‌ای از تقابل که می‌تواند به برخوردی محدود یا حتی گسـترده بینجامد. هریک از این سـناریوها، پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی خاص خـود را دارد. در نهایت، ژنو نه صرفا محل یک دور مذاکره، بلکه آزمونی برای سـنجش نسـبت عقلانیت و شتاب در سیاسـت خارجی دو طرف است. اگر زبان تهدید بر منطق گفت‌وگو غلبه کند، حتی فعال‌ترین کانال‌های میانجیگری نیز کارایی خود را از دسـت خواهند داد. بااین‌حال، اگر دو طرف بتوانند از دوگانه «تسلیم یا جنگ» عبور کرده و به منطقه‌ای میانی از مصالحه واقع‌گرایانه برسـند، شاید هنوز بتوان از لغزش به سـوی بحرانی فراگیر جلوگیری کرد. اکنون همه چیز به این بسـتگی دارد که در ژنو، کدام منطق دسـت بالا را خواهد یافت؛ منطق قدرت عریان یا منطق مدیریت منازعه.

واکاوی اهمیت سفر جی.دی. ونس به قفقاز و پیامدهای راهبردی آن بر منافع ایران در گفت‌وگو با سیدعلی سقائیان و محسن پاک آیین

تهران در گیر مذاکره، قفقاز در حال تغییر

عکس: سپهر تاکی، ایرنا

عبدالرحمن فتح‌الهی: سـفر هفته گذشـته جی دی ونس، معاون اول دونالد ترامپ به قفقاز جنوبی را نه یک سفر تشریفاتی، بلکه باید نقطه عطفی در بازآرایی ژئوپلیتیکی منطقه دانست. اهمیت این سفر از آن رو دوچندان است که از زمان سفر جرج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا به گرجسـتان در سال ۲۰۰۵، هیچ مقام آمریکایی در این سطح به قفقاز سفر نکرده بود. این خلأ حضور ۲۰ ساله واشـنگتن اکنون با حضور معاون رئیس‌جمهور آمریکا شکسته شده و همین مسئله نشان می‌دهد کاخ سفید، قفقاز جنوبی را وارد اولویت راهبردی جدید خود کرده است. این سفر، شـش ماه پس از توافق صلح میان نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان و الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در کاخ سفید انجام شد؛ توافقی که با حمایت مستقیم دونالد ترامپ به عنوان آغاز نظم جدید منطقه، ذیل پروژه‌ای به نام مسـیر «ترامپ» معرفی شـد. اکنون با امضای توافق همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز میان آمریکا و ارمنستان و نیز منشور مشارکت راهبردی واشنگتن-باکو، مرحله تثبیت این نظم در حال اجراست. در ایروان، توافق هسته‌ای موسوم به «۱۲۳»، عملا مسیر کاهش وابستگی انرژی به روسیه و به‌طور غیرمستقیم ایران را هموار می‌کند. در باکو نیز چارچوب مشارکت راهبردی، جایگاه جمهوری آذربایجان را در شـبکه انرژی و امنیت غرب تحکیم می‌بخشد. این روند با طرح «مسیر ترامپ» (TRIPP) تکمیل می‌شود؛ کریدوری که قرار است به‌جای کریدور زنگزور از جنوب ارمنستان عبور کرده و جمهوری آذربایجان را به نخجوان و سپس ترکیه متصل کند؛ مسیری که بنا بر تحلیل‌های غربی، می‌تواند ایران و روسـیه را دور بزند و مسیرهای جدید ترانزیتی، انرژی و ارتباطی تعریف کند. نکته راهبردی آن اسـت که این تحولات دقیقا در زمانی رخ می‌دهد که ایران درگیر مذاکرات حساس با آمریکا و هم‌زمان با تهدیدات نظامی و احتمال تشدید تنش مواجه است. در چنین شرایطی، تمرکز تهران بر پرونده هسته‌ای و مخاطرات امنیتی، عملا امکان ابتکار عمل فعال در محیط پیرامونی را کاهش می‌دهد. این هم‌زمانی نمی‌تواند تصادفی تلقی شود. محدودسازی تدریجی فضای ژئوپلیتیکی ایران در شمال ارس، از طریق بازتعریف مسیرهای انرژی و ترانزیت، بدون مواجهه مستقیم و پرهزینه در حال پیگیری است. اگر این روند تثبیت شود، قفقاز جنوبی از یک حوزه نفـوذ متوازن به عرصه‌ای با محوریت غرب تبدیل خواهد شـد؛ نظمی که در آن نقش ایران نه از طریق تقابل آشکار، بلکه با حذف تدریجی از معادلات اقتصادی و زیرساختی کم‌رنگ می‌شـود. این تحولات، بیش از آنکه یک رقابت ساده قدرت‌ها باشد، هشداری نسبت به شکل‌گیری خلأ ژئوپلیتیکی ایران در پیرامون شـمالی‌اش خواهد بود؛ خلأیی که جبران آن در آینده هزینه‌ای به‌مراتب سـنگین‌تر خواهد داشـت. از این‌رو و در راستای واکاوی دقیق‌تر تحولات جاری در قفقاز جنوبی و ارزیابـی ابعاد ژئوپلیتیکی آن، به‌ویژه مخاطرات و تهدیدات بالقوه‌ای که می‌تواند متوجه منافع ملی جمهوری اسـلامی ایران باشـد، بـه گفت‌وگویی با سیدعلی سقائیان، سفیر پیشـین ایران در ارمنستان و محسن پاک‌آیین، سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان، نشسته‌ایم تا تحلیل و برآورد این دو را از روندهای جدید منطقه‌ای و پیامدهای آن برای تهران جویا شویم.

●●●

جناب پاک‌آیین ابتدا از شما شروع و اهمیت سفر جی دی ونس را به ارمنستان و آذربایجان بررسـی کنیم. این سفر تقریبا شـش ماه پس از توافق میان پاشینیان و علی‌اف در کاخ سفید با ترامپ، در چارچوب «مسـیر ترامپ»، انجام شد. چنین سـفری در سطح معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده تقریبا بی‌سابقه است؛ فقط در سال ۲۰۰۵، جرج بوش سفری مشابه به گرجستان داشـت. اکنون می‌خواهیم تمرکز خود را بر مسـئله ایران و وجود تهدیدات سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیک بگذاریم. آیا ایالات متحده واقعا جمهوری اسلامی ایران را بر دوگانه مذاکرات و جنگ متمرکز کرده و به موازات آن، در حال بستن حوزه‌های پیرامونی ماست؟ آیا باید نگران باشیم؟

محسن پاک‌آیین: من معتقدم تحرکات آمریکا در قفقاز بیش از آنکه متوجه ایران باشد، برای کاهش نفوذ روسیه در منطقه است.

اما دامنه آن به ایران هم خواهد رسـید. ما درباره قفقاز جنوبی حرف می‌زنیم. ونس به باکو و ایروان رفته و توافق امضا کرده اسـت. ترامپ با علی‌اف و پاشینیان توافق امضا کرده است. نمی‌شود این تحولات محدود به روسیه باشد؟

محسـن پاک‌آیین: ببینید، پیش از آغاز سفر ونس به ارمنستان و آذربایجان، فضای رسانه‌ای غربی بر مسئله دالان موسوم به زنگزور و تهدیدات علیه ایران متمرکز و این فضا بسیار گسترده بود. با این حال، همان‌طور که به‌درسـتی اشـاره داشتید، این سفر که بالاترین سطح بازدید مقام آمریکایی در سال‌های اخیر به شمار می‌رود، بیشتر بر طرح صلح تأکید داشت. واقعیت این است که در ملاقات‌های انجام‌شده در ارمنستان و سپس آذربایجان، تمرکز بر دالان زنگزور (در استان سیونیک) و بحث احداث راه‌آهن یا مراسم افتتاح آن نبود. اگر این‌طور بود، تمرکز بر تهدید علیه منافـع ایران بود. اما تمرکز ونس بر همکاری‌های اقتصادی و دفاعی میان آمریکا و ارمنسـتان بـود، از جمله فروش پهپادها و تجهیزات دیگر به ارمنسـتان، سـاخت راکتورهای هسـته‌ای برای ارمنسـتان و انتقال امتیاز احداث راه‌آهن که پیش‌تر در اختیار شـرکت‌های روسـی بود به شرکت‌های غربی؛ پس از این مرحله، مسئله روسیه پررنگ‌تر شد. روس‌ها بلافاصله موضع‌گیری و تأکید کردند که بر اسـاس قرارداد سـال ۲۰۲۰، مسئولیت احداث راه‌آهن در ارمنستان بر عهده روسیه است و این امتیاز را از دست نخواهند داد. همچنین، از آمریکا و اتحادیه اروپا انتقاد کردند که تاکنون به قفقاز توجهی نداشته‌اند، اما اکنون برای انزوای روسیه وارد عمل شده‌اند.

در آذربایجان چطور؟

محسن پاک‌آیین: در آذربایجان نیز تمرکز بر امضای یادداشت تفاهم راهبردی برای همکاری میان آمریکا و آذربایجان بود و بحث مسـیر اتصال آذربایجان به نخجوان مطرح نشد. بنابراین، موضوعی که پیش‌تر برجسـته شـده بود، یعنی تمرکز بر ایران، به رقابت آمریکا و روسـیه در قفقاز منتقل شد.

چرا این تحلیل را ندارید که احداث راه‌آهن یعنی پیگیری عملی و سریع همان مسیر ترامپ و تهدید مستقیم منافع و امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران؟

محسن پاک‌آیین: احداث این راه‌آهن مسئله‌ای نیست که با دستور ترامپ یا چند سفر ونس و مقامات آمریکایی حل شـود؛ این موضوع مسـتقیما با مذاکرات صلح ارمنستان و آذربایجان مرتبط است که هنوز به نتیجه نرسـیده و حتی بخش راه‌آهن در مذاکرات صلح مطرح نشده اسـت. علاوه بر این، حذف نام قره‌باغ از قانون اساسـی ارمنستان نیازمند همه‌پرسی است که فرایندی پیچیده به شمار می‌رود و چشم‌انداز سریعی ندارد تا به عادی‌سازی روابط باکو و ایروان منجر شـود. تا این اتفاقات روی ندهد، راه‌آهن کشیده نمی‌شـود. بنابراین، با توجه به مواضع ایران در قبال دالان زنگزور و حتی مسـیر ترامپ یا هر عنوان دیگری، دو کشـور ارمنسـتان و آذربایجان بـا احتیاط عمل می‌کنند و وارد این موضوع نشدند؛ مباحث، بیشتر بر مسائل دوجانبه متمرکز بود.

محسن پاک‌آیین: اینکه معـاون رئیس‌جمهور آمریکا از آن سوی دنیا آمـده، در چارچـوب روابـط دوجانبـه قول‌هایی به ارمنستان و آذربایجان داده که اجرا بشود یا نشـود، بحث آینده است. گمانه‌زنی‌ها این بـود که برای بحث دالان و مسـیر زنگزور با مسـیر ترامپ، است و می‌خواهنـد ایران را حذف کننـد، اما ایران حذف نمی‌شـود. حتی ونـس دربـاره ایران صحبتی نکرد و موضعی نداشت

شما گفتید تمرکز آمریکا در قفقاز بر مسئله روسیه است، اما من باز هم تکـرار می‌کنم وقتی از قفقاز جنوبی سـخن می‌گوییم، بیشـتر بر ایران تمرکز دارد. بدون تعارف جناب پاک‌آیین آیا تحلیل شما کمی سـاده‌انگارانه و تقلیل‌گرایانه نبود که موضوع ایران را کنار گذاشتید؟ دوم، آیا در حالی که ما بر مسائل هسته‌ای و احتمال جنگ متمرکز هستیم، آمریکا ما را با این دوگانه (جنگ و مذاکره) سرگرم نکرده است؟

محسن پاک‌آیین: نه اتفاقا نگاه من نه ساده‌انگارانه است و نه تقلیل‌گرایانه، بلکه مبتنی بر واقعیات اسـت. نگاه شما ژورنالیستی اسـت. موضوع ایران، مسئله تغییر ژئوپلیتیک منطقه و حضور آمریکایی‌ها در مرزهای ما به بهانه ساخت این راه‌آهن است. این به معنای کنارگذاشتن موضوع نیست؛ من چنین چیزی نگفتم. اما در سـفر آقـای ونس، تمرکز بر این مسئله نبود و دلیلی بر کنارگذاشتن ایران مطرح نشد. نه ارمنی‌ها چنین حرفی زدند، نه آذربایجانی‌ها... .

ولی ونس به ایران اشاره داشت؟

محسـن پاک‌آیین: بله اما اظهارنظر ونـس درباره ایران فقـط درباره مذاکـرات بـود؛ او در مصاحبه گفـت که در مذاکـرات با ایران خط قرمزی نداریـم و ترامپ مذاکرات با ایران را مدیریت می‌کند. بنابراین، در این سـفر ونس به ارمنسـتان و آذربایجان، مسـئله ایران برجسته نشد و ما نیز موضع قوی‌تری اتخاذ نکردیم. تنها موضع رسمی، اظهارات آقای بقایی، سـخنگوی وزارت خارجه بود که تأکید کرد مواضع خود را به ارمنسـتان اعلام کرده‌ایم و با هر اقدامی که ژئوپلیتیک منطقه را تحت تأثیر قرار دهد، مخالف هستیم.

و با همین تحلیل فکر می‌کنید سیبل آمریکا در قفقاز جنوبی روسیه است، نه ایران؟

محسن پاک‌آیین: بله و اتفاقا به همین دلیل روس‌ها موضع قوی‌تری گرفتند، به‌ویژه پس از مطرح‌شدن اعطای امتیاز راه‌آهن به آمریکایی‌ها. این موضوع دقیقا همان بحث قفقاز جنوبی اسـت؛ قفقاز شمالی که آمریکایی‌ها سفری به آن نداشتند، اما تمرکز بحث ما بر قفقاز جنوبی، یعنی ارمنسـتان و آذربایجان اسـت و قفقاز شمالی مربوط به روسـیه است که فعلا موضوع بحث نیست.

جناب سقائیان، بیاییم بر اقدامات پاشینیان در روابط با تهران تمرکز کنیم، بدون توجه به روسیه. نخسـت‌وزیر ارمنستان ابتدا درباره «مسیر ترامپ» اظهارات عجیبی در اروپا داشت و جدی‌تر از آمریکایی‌ها و آذربایجانی‌ها خواهان عملیاتی‌شـدن مسیر ترامپ بود و سپس وزارت خارجه ارمنستان هم سر از اسـرائیل درآورد که بنا به گزارشات ناظر به همین مسیر ترامپ بود. اکنون که توافق هسـته‌ای با جی دی ونس امضا شـده است، پاشینیان واقعا با مناسـبات تهران چه خواهد کرد؟ اصلا او چه در سـر دارد و متوجه تبعـات اقداماتش بر مناسبات با ایران هست؟

سیدعلی سقائیان: قفقاز جنوبی یک منطقه راهبردی است، چه پیش از اعزام معاون ترامپ و چه پیش از آغاز بحث صلح میان باکو و ایروان. ایران مرز مشترک با این منطقه دارد و نخستین کشـوری بود که پس از فروپاشی اتحاد شـوروی، جمهوری‌های جدید را به رسمیت شناخت، به‌ویژه ارمنستان به عنوان تنها همسایه مسیحی. ایران همواره در مسائل مهم در کنار جمهوری آذربایجان و ارمنستان بوده است. این منطقه برای ما حیاتی است، زیرا تنها کشوری هستیم که مرز مشترک با ارمنستان در قفقاز جنوبی داریم. اعتقاد من این است که پاشینیان، با توجه به روند صلح با باکو، به دنبال کاهش وابسـتگی شدید امنیتی و انرژی به روسیه است؛ از طریق طرح چهارراه صلح خود و پاسخ به منتقدان و اپوزیسیون (مانند کوچاریان) که مدعی‌اند او منافعی به دسـت نمی‌آورد. البته باید گفت که در چند ماه گذشته، تفاهم‌نامه راهبردی میان تهران و ایروان امضا شده است. لذا پاشینیان هم به دنبال موازنه است و هم تلاش می‌کند مرزهای بسته با باکو و ترکیه را باز کند و محیط اقتصادی جدیدی ایجاد کند. با توافق هسته‌ای اخیر میان ونس و پاشینیان، هدف ارمنستان اتفاقا روسیه است، نه ایران... .

چطور؟

سـیدعلی سقائیان: چون این توافق هسـته‌ای موجب کاهش وابستگی به گاز روسیه (که ۸۰ درصد واردات انرژی ارمنسـتان را تشکیل می‌دهد) می‌شود؛ البته باید دید این توافق چقدر عملیاتی خواهد شـد. از سـوی دیگر، حضور آمریکا، چه در دولت فعلـی ترامپ و چه بایدن پس از حل مسـئله قره‌باغ افزایش یافته است. لذا این برداشت را دارم که پاشینیان با استفاده از لابی‌ها، پیشـنهاد ورود آمریکا به کریدور ترامپ (یا زنگزور) را بهانه‌ای برای حمایت سیاسی آمریکا قرار داد تا سیاست‌های خود را تقویت کند.

اما هدف آمریکا می‌تواند تهران باشد؟

نه لزوما.

چرا؟

سـیدعلی سـقائیان: چون هدف نهایی حضور آمریکا در منطقه، انرژی، منابع زیرزمینی و معدنی است و با توجه به درگیری روسیه در اوکراین، فرصت مناسبی برای آمریکا فراهم شده است.

ولی تحلیل شـما با گـزاره من هم منافاتی نـدارد. به هر حال ایران هم‌اکنون مشـغول دوگانه برسـاخته ترامپ یعنی جنگ و مذاکره اسـت. به‌ویژه بعد از آغاز مذاکرات مجدد در عمان. البته مسـائل داخلی بعد از دی‌ماه هم هسـت که تهران را مشغول کرده و این یعنی فرصت برای آمریکا. روسـیه درگیر جنگ اوکراین و ایران هـم درگیر جنگ احتمالی و مذاکره و بحران داخلی؟

سـیدعلی سـقائیان: من هم نگفتم منافاتی دارد. همان‌طور که اشاره کردید، اولویت ایران مسـائل داخلی و تهدیدات بالقوه از آمریکا (مانند لشکرکشی و مذاکرات) است و آمریکا از این فرصت اسـتفاده می‌کند. اما عنوان داشـتم منابع نفتی، گازی و معدنی منطقه توسط ترامپ تحت کنترل قرار می‌گیرد و وضعیت باکو و ایروان مدیریت می‌شـود. به نظر من، در این سـفر ونس به قفقاز جنوبی، آذربایجان بیشتر منتفع می‌شود، با توجه به منابع نفتی خود. البته باید انگلیس (بریتیش‌پترولیوم) را نیز اضافه کرد که نفوذ سـنتی خود را در آذربایجان حفظ کرده است. ارمنسـتان فاقد انرژی اسـت و جذابیت کمتری دارد؛ پس این سفر بیشتر برای نفوذ در آذربایجان و خزر است تا از منابع نفتی بهره‌برداری شود.

جناب سـقائیان، حضرت‌عالی هم مانند جناب پاک‌آیین گویـا به‌عمد تهدید علیه ایران را نادیده می‌گیرید؟

سیدعلی سقائیان: این‌طور نیست. من وضعیت منطقه قفقاز جنوبی را طور دیگری می‌بینم. مسائل سیاسی و نظامی است که منافع ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ضمنا ما بارها مخالفت خود را با هرگونه تحرک نظامی و ژئوپلیتیک اعلام کرده‌ایم.

در این بین بازی پاشینیان متفاوت از تحلیل شماست.

سیدعلی سـقائیان: ببینید، این موضوع به این راحتی که اشاره کردید، نیست. به قول سـعدی: «سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل/ بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران». بحث پیوندهای تاریخی، سیاسـی، خطوط انرژی و مسـائل فیزیکی و جغرافیایی اسـت که ما را به کشورهای قفقاز هم متصل کرده و به‌راحتی حذف نمی‌شود. قطعا با یک کلمه ترامپ، کفتار یا سفر ونس و توافقات، این پیوندها قطع نخواهد شـد. اما مواضع ما تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این را نمی‌توان منکر شـد. اما حذف شـرایط دیگری دارد. در مقایسـه با دوره‌های قبل، اهرم‌هایی که داشتیم، کمتر در اختیار ماست، اما همچنان کارت‌های بازی داریم و می‌توانیم بازی کنیم. اولویت‌ها تغییر کرده است؛ وضعیت منطقه خاص است، به‌ویژه برای ما که اولویت اول حل مسائل با آمریکا و جلوگیری از جنگ ناخواسته است. اهمیت باکو از نظر انرژی برای آمریکا بیشتر از ایروان است. تحلیل من این است که آمریکا در قفقاز جنوبی که مرز مشترک ما با ارمنستان و آذربایجان است، فعلا برنامه خاصی ندارد. طرح گذرگاه ارس برای ما فعال اسـت و داریم روی آن کار می‌کنیم. علاوه بر این، بحث راه‌آهن را باید افزود که ما به‌شـدت روی این پروژه کار می‌کنیم، اقدامات را انجام می‌دهیم و خط آهن شـمال-جنوب را با روسیه پیش می‌بریم، سرمایه‌گذاری آماده و موانع تملیکی در حال رفع‌شدن است. در موازات این، با وجود مسائل دیگر، اجازه نمی‌دهیم همه منافع به دیگران برسـد، پس در مجموع جناب فتح‌الهی نگرانی شـما را درک می‌کنم، اما ایران را نمی‌توان از منطقه قفقاز حذف کرد.

جناب پاک‌آیین، نکته خیلی مهمی درباره یادداشـت تفاهم همـکاری راهبردی آمریکا و آذربایجان می‌پرسـم. ما با چین و روسـیه چنین کاری کردیم، اما بسـیاری معتقدند به لحاظ ژئوپلیتیک و همسایگی، اولویت باید با همسایگان باشد. من به خاطر ندارم در میان ۱۵ همسایه، یادداشت تفاهم همکاری راهبردی داشته باشیم. واقعا چه می‌شود که آمریکا از آن سوی دنیا می‌آید و چنین یادداشتی امضا می‌کند و خلأ آن برای ما وجود دارد؟

محسـن پاک‌آیین: اول می‌خواهم به سـؤال قبلی پاسخ دهم. اتفاقا شاخ و دم حذف ایران خیلی هم بزرگ اسـت؛ این‌گونه نیست که شـاخ و دم نداشته باشد. من هم با جناب سقائیان موافقم. اصلا نمی‌شود ایران را از قفقاز حذف کرد. شما شاهدی بیاورید که این سفر ونس باعث قطع روابط ایران و ارمنسـتان یا ایران و آذربایجان شده باشد. ارمنسـتان با ما راه دارد؛ اگر این راه نباشـد، ارمنی‌ها با مشکل جدی مواجه می‌شوند. پس آیا ما در ارمنستان حذف می‌شویم؟ ارتباطات نزدیک اقتصادی، فنی-مهندسـی، سـاخت جاده‌ها و روابط دوسـتانه سیاسـی در حوزه‌های مختلف را ببینید. هیچ همسایه‌ای نمی‌تواند همسایه‌اش را حذف کند؛ این یک اصل است. هر کشوری که همسـایه‌اش را از دست بدهد، در سیاست خارجی نقطه صفر می‌گیرد. شما سخنرانی پاشینیان را ببینید که همین هفته گذشته انجام داد و چگونه سعی در دلجویی از روسیه دارد تا منطقه تحت تأثیر سفر ونس قرار نگیرد.

چرا این‌طور تحلیل نمی‌کنید که پاشنیان با دلجویی به دنبال دادن آدرس غلط است؟

محسـن پاک‌آیین: ببینید آقای فتح‌الهی، اینکه معاون رئیس‌جمهور آمریکا از آن سوی دنیا آمده، در چارچوب روابط دوجانبه قول‌هایی به ارمنسـتان و آذربایجان داده که اجرا بشـود یا نشـود، بحث آینده اسـت. گمانه‌زنی‌ها این بود که برای بحث دالان و مسـیر زنگزور با مسیر ترامپ، است و می‌خواهند ایران را حذف کنند، اما ایران حذف نمی‌شود. حتی ونس درباره ایران صحبتی نکرد و موضعی نداشـت. بله آمریکا با ارمنستان و آذربایجان روابط دوجانبه دارند و عیبی ندارد؛ هر کشوری مستقل است و می‌تواند روابط دوجانبه داشته باشد. اما اجرای برخی قول‌ها علیه ایران بحث آینده است.

دادن پهپاد و استقرار سامانه موشکی هم با همین نگاه شما چگونه قابل تحلیل است؟

محسن پاک‌آیین: من متوجه گفته‌ها و احساس خطر شما می‌شوم. حالا آقای ونس گفته اگر بخواهیم پهپاد به ارمنستان می‌فروشیم. اصلا این‌طور باشد. ولی سؤال این است که ارمنستان از آن علیه چه کسی استفاده می‌کند؟ طبیعتا آذربایجان، نه علیه ترکیه، نه ایران، نه روسیه. ضمنا الان جنگی بین آذربایجان و ارمنسـتان نیست؛ آنها ادعای صلح دارند. اگر ترامپ دنبال صلح است، چرا پهپاد می‌فروشد؟ این اول آذربایجان را به سمت رژیم صهیونیستی یا کشورهای دیگر سوق می‌دهد که به دنبال ناامن‌سازی قفقاز جنوبی هستند.

فکر نمی‌کنید این اتفاقا برنامه‌ای اسـت که اگر جنگی در بگیرد، فقط جنوب و غرب ایران نباشد و از شمال هم ما را درگیر کنند؟ پهپادها و سامانه‌های موشکی برای همین کار باشد؟

محسن پاک‌آیین: اصلا تصور نمی‌کنم ارمنستان بخواهد به ما حمله کند. قدرت کشورها را مقایسه کنید؛ ارمنسـتان در موضعی نیست که حتی با آمریکا به ما حمله کند، چون شکست می‌خورد.

منظورم درگیری مستقیم خود آذربایجان و ارمنسـتان نیست. کمااینکه عربستان، کویت، قطر، امارات و بحرین هم وارد درگیری مسـتقیم نمی‌شوند؛ موضوع استفاده سرزمینی از خاک همسایگان است؟

محسـن پاک‌آیین: چرا وارد این موضوع می‌شوید؟ مگر هر کشوری که خرید تسلحاتی کند، می‌خواهد به ایران حمله کند؟ ضمنا آمریکایی‌ها صرفا دنبال رونق شرکت‌های اسلحه‌سازی خود هسـتند؛ می‌آیند، لبخندی می‌زنند و به همسـایگان ایران به نام حمله و جنگ تسلحیات می‌فروشند. اما موضوع مهمی که نباید فراموش کنم به سؤال قبلی شما بازمی‌گردد. آذربایجان و بحث سـند راهبردی؛ من این سند را راهبردی نمی‌دانم. سـند راهبردی سندی است که دو طرف در بسـیاری مواضع اشتراک داشته باشند. آذربایجان یکی از اهداف اصلی حقوق بشری آمریکاسـت؛ در مسئله حقوق بشـر بحث جدی دارند. آمریکا، فرانسه و اروپا در قفقاز جنوبی جانب ارمنسـتان را دارند. ارمنستان با روسیه رابطه خوبی ند